

Philosophy and humanities
Web Address: philosophyandhumanities.ir
Email: philosophyandhumanities@irip.ac.ir
Tel:+982166492169
Attribution-NonCommercial 4.0 International
(CC BY-NC 4.0)
Open Access Journal

Philosophy and humanities

Vol. 1, Number 1, spring and summer 2023, Serial Number 1

The role of imaginary epistemology in explaining Islamic management

pp: 161-177

Abolfazl Gaeini*
Reza Nikbakht**

Abstract

Soft technology has close relationship with the organization. Ratio of managerial interventions and emergence of organization is concatenating ratio. Management and organization are considered type of soft technology. but, imaginary perceptions are assumptions made by mind in order to meet vital needs and have imaginary aspect. Today complex society needs more imaginary. Believing in the compatibility of soft technology and imaginary is important issue in explaining Islamic management. Exclusivity in applicability of these two

*Abolfazl Gaeini, Professor of Management Department, Research Institute of Hawzah and University, iran.E-mail: againi@rihu.ac.ir

** Reza Nikbakht, Ph.D. Department of Management, Research Institute of Hawzah and University, iran. E-mail: rnikbakht@rihu.ac.ir
Recived date: 9/5/2023 Accepted date: 17/9/2023

competing concepts and turning and measuring applications to effective goals of worlds of values is less expensive way to explain Islamic management. Because subject of study is philosophical, the requirement of such a subject is to use the logical-argument method. By stating common features and examples of the two concepts of imaginary and technology, it seems that it is possible to judge the compatibility of the two concepts and then discuss its accessories and branches.

Keywords: Epistemology, Imaginary, Islamic management, soft technology, Imaginary epistemology

Extended Abstract

Islamic management cannot be achieved without theoretical foundations. "Islamic management issues" are logically derived from those foundations. These foundations are the theoretical foundations of the collection of cases of Islamic management. Epistemology is one of those foundations that influence management issues. Epistemology explains the nature of knowledge, the sources of knowledge and the boundaries of knowledge. The purpose of choosing this topic is to try to achieve the theoretical, logical and epistemological aspects of the cases that come under the title of Islamic management. The researcher of Islamic management, with this assumption, searches in the sources of Islamic narrations to find management cases that one of the sources of knowledge can be "revealed intuition" which is formed in the form of devotional narration for religious people. Management has a practical nature and has always been related to the action scene. Naturally, when it comes to practice and application, the need to be multidisciplinary becomes apparent. Every management theory is a type of software technology that is formed and oriented under the influence of the organizational environment and in response to environmental challenges. So that with the change of these conditions, it can be predicted that these tools, theories and techniques that managers use to achieve results will also change. On the other hand, Islamic management is a combination of two words, management and Islam. Management in combination with Islam finds a feature that is different from other features of management. In order to examine the adaptability of Islamic concepts to knowledge concepts such as management, one should pay attention to the historical background and the evolution and development of the concepts of this knowledge. Epistemology and its relationship with other fields, such as ontology and anthropology, play an influential role in justifying and explaining Islamic management. Management science, which includes a set of theories around some imaginary concepts, is subject to some hidden and obvious goals that

direct and determine those theories. Therefore, management science has been influenced by the cultural values and beliefs that rule the origin of this science, that is, the West. Therefore, in order to understand such knowledge, one should get information about the insights and beliefs that have played a fundamental role in the emergence of management science as cultural reserves, and on the other hand, in order to compile a knowledge called Islamic management, one should search for the cultural components of Islam and Based on that, he reached the imaginary concepts that Islam has established to ensure human goals. These concepts can become the study circuit of Islamic management and also play a key and important role in management theories. Optimum use of human and natural resources to meet basic needs is not possible without applying order and organizing those resources. In order to fulfill such a need, one must engage in activities from which the concept of management is abstracted. This concept is the origin of objective works and these works are effective in providing basic needs. For the proper reproduction of activities, it is necessary that some forms of activities occur. The quality of the activities depends on imaginary concepts that pursue the realization of objective goals. For example, the imaginary concept of planning pursues an end to order and organize human and physical resources, which is reflected in specific verbs. The imaginary concept of organization is also the same. Therefore, a chain of imaginary concepts, each of which has specific objective effects, is formed, and as long as these concepts reflect specific actions to satisfy real needs, they are used in the context of human interactions, and When they cannot satisfy those

References

- Javadi Amoli, A. (2005). Epistemology in the Qur'an. Qom: Israa.
- Javadi Amoli, A. (2013). Rahiq Makhtoum, Volume 4. Qom: Israa.
- Tabatabai, S. (1983). Seven messages. Qom: Allameh Tabatabai Scientific and Intellectual Foundation.
- Tabatabai, S. (1992). Principles of realism philosophy and method. Tehran: Sadra Publications.
- Jin, z. (2002). soft technology. future research quarterly, 50-62.

فلسفه و علوم انسانی، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۶۱-۱۷۷

نقش معرفت شناسی اعتباریات در تبیین مدیریت اسلامی

ابوالفضل گابینی*

رضا نیکبخت**

چکیده

فناوری نرم رابطه تنگاتنگی با سازمان دارد. نسبت مداخلات مدیریتی و پیدایش سازمان نسبت تضایفی است. مدیریت و سازمان نوعی فناوری نرم تلقی می گردند. از طرفی دیگر، ادراکات اعتباری فرض هایی هستند که ذهن به منظور رفع احتیاجات حیاتی، آنها را ساخته و جنبه اعتباری دارند. جامعه پیچیده امروز نیازمند اعتباریات بیشتری می باشد. باور به مساوقت فناوری نرم و اعتباریات، ارشاد به موضوع مهمی در تبیین مدیریت اسلامی است. انحصار در کاربردی بودن این دو مفهوم مساوق هم و عطف و سنجش کاربردها به اهداف تاثیر پذیر از جهان های ارزشی راه کم هزینه تری برای تبیین مدیریت اسلامی می باشد. از آنجا که موضوع مورد مطالعه، فلسفی است، لازمه چنین موضوعی استفاده از روش منطقی-برهانی است. با بیان ویژگی ها و مصادیق مشترک دو مفهوم اعتباری و فناوری، به نظر می رسد

* استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. رایانامه: againi@rihu.ac.ir

** دانشجوی دکترا، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. رایانامه: rnikbakht@rihu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۱۶

می‌توان به تطابق و تساوق آن دو حکم نمود و از آن پس به لوازم و فروعات آن پرداخت.

کلیدواژه‌ها: معرفت‌شناسی، اعتباریات، مدیریت اسلامی، فناوری نرم، معرفت‌شناسی اعتباریات.

مقدمه

مدیریت اسلامی بدون مبانی نظری قابل حصول نیست. «قضایای مدیریت اسلامی» به گونه‌ای منطقی برگرفته از آن مبانی است. این مبانی بنیان‌های نظری مجموعه قضایای مدیریت اسلامی هستند. معرفت‌شناسی یکی از آن مبانی است که تاثیرگذار بر قضایای مدیریتی می‌باشد. معرفت‌شناسی به بیان ماهیت معرفت، منابع معرفت و حدود و مرزهای معرفت می‌پردازد (گائینی، معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت، ۱۳۹۹، ص. ۸). هدف از انتخاب این موضوع، تلاش برای دست یافتن به لوازم نظری، منطقی و معرفت‌شناسانه قضایایی است که با عنوان مدیریت اسلامی می‌آیند. ذهن گردآورندگان و تدوین‌کنندگان قضایای مدیریتی، نمی‌تولند خالی از پیش‌زمینه‌های فکری و فلسفی درباره منابع معرفت باشد. محقق مدیریت اسلامی، با این فرض به جستجو در منابع نقلی اسلام برای یافتن قضایای مدیریتی می‌پردازد که یکی از منابع معرفت، می‌تواند "شهود و حیانی" که در قالب نقل‌تبعی برای متدینان شکل گرفته است، باشد.

پژوهش حاضر در پی بررسی آن است که وقتی شخصی به امکان دستیابی به مدیریت اسلامی معتقد است، باید در آغاز به چه معرفت‌شناسی ملتزم باشد، تا بتواند به مدیریت اسلامی راه یابد.

با نگاه انتقادی طرح این معرفت‌شناسی، چنین مزایایی دارد:

۱. آشکار شدن جایگاه مدیریت اسلامی در میان دیگر مقوله‌های معرفتی: با پیش کشیدن معرفت‌شناسی مدیریت اسلامی، بسیاری از قضایایی که در آن مطرح می‌شود، ارزش شناختی خود را بازیافته و به عنوان بخشی از اجزای مدیریت وارد ساختار این دانش می‌شود. اگر از تأثیر عوامل معنوی، یا غیبی در توفیق یا عدم توفیق برخی سازمان‌ها در رسیدن به اهدافشان بحث شود، بدون فهم مبادی معرفتی، بی‌معنا خواهد بود؛ باور به تاثیرگذاری این‌گونه عوامل معنوی در مدیریت، بدون فهم پشتوانه فلسفی آن قابل فهم نیست. بنابراین، لازم است برای تبیین

جایگاه شناختی این گونه مقولات فرامادی، به مبادی نظری و فلسفی آنها پرداخته شود.

۲. طرح معرفت شناسی باعث به تأویل بردن تعارض احتمالی برخی قضایای مدیریت اسلامی با علم مدیریت، به مبانی فلسفی این دو نگرش است. با توجه به برخورداری هر دو علم «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» از پیش فرض‌های معرفتی حیثاً متفاوت با یکدیگر، پیش‌بینی بروز برخی اختلافات در شاخه‌های برآمده از این تفاوت‌ها، منطقی است. تنازع در این شاخه‌ها، بدون درک آن مبانی، فرسایش فکری بی‌حاصلی را به دنبال دارد؛ اما اگر منشأ این منازعات شناخته شود، هم در انتقال مفاهیم و هم در دفع احتمالی منازعات مؤثر خواهد بود.

۳. نقش معرفت شناسی تنها در تبیین دقیق‌تر اختلاف‌ها و تنازع‌ها نیست؛ چه بسا قضایا در هر دو علم «مدیریت» و «مدیریت اسلامی» یافت شوند که به‌ظاهر مؤید یکدیگر باشند، اما در اساس، اختلاف آنان کم نباشد. فهم این معرفت شناسی محقق را در برداشت عجولانه و سطحی از تأیید ظاهری برخی قضایای دینی با قضایای مطرح در علم مدیریت بازمی‌دارد.

پس از شناسایی و پذیرش معرفت شناسی مورد نظر، محقق باید به برخی قضایا نیز ملزم شود تا در گستره‌ی نظام فکری و پژوهشی خود، پیش فرض معرفت‌شناسانه‌اش را رعایت کرده و ناخودآگاه دچار نقض آن نشود.

بررسی معرفت شناسی و لوازم منطقی آن با "روش عقلی" حاصل می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه این مقاله از دریچه معرفت شناسی به امکان و توجیه دانش مدیریت اسلامی می‌پردازد، ماهیت عقلانی دارد و با استفاده از روش عقلی به دست می‌آید.

مفهوم شناسی

مدیریت ماهیتی کاربردی دارد و همواره ارتباط با صحنه عمل داشته است. به‌طور طبیعی وقتی سخن از عمل و کاربرد به میان می‌آید، ضرورت چندرشته‌ای بودن آن نمایان می‌شود. در نگاهی عمل‌گرا مدیریت مجموعه‌ای از وظایف، فعالیت‌ها و نقش‌ها در صحنه عمل است که دربرگیرنده گسترده‌ی متنوعی از رشته‌هاست. فعالیت مدیریت در زمینه و بستر اجتماع شکل می‌گیرد و رفتار جمعی در آن تعیین‌کننده است؛ بنابراین، عنصر ذهنیت و برداشت‌های جمعی در تجربه و تلقی از مدیریت، سهم بسیاری را به همراه دارد. ساختار ذهنی‌ای که مدیر در مورد نقش خود پدید می‌آورد (اعم از اینکه

معتبر باشد یا نباشد) سهم عمده‌ای در میزان و چگونگی تأثیر دانش مدیریت بر رفتار و رویه او دارد.

هر نظریه مدیریتی نوعی فناوری نرم‌افزاری است که تحت تأثیر محیط سازمانی و در پاسخ به چالش‌های محیطی شکل یافته و جهت‌دهی شده است به طوری که با تغییر این شرایط می‌توان پیش‌بینی کرد که این ابزارها، نظریه‌ها و فنونی که مدیران برای دستیابی به نتایج به کار می‌گیرند نیز تغییر یابد (Bartol, 1994).

از سویی دیگر مدیریت اسلامی، مرکب از دو واژه مدیریت و اسلام است. مدیریت در ترکیب با اسلام، خصوصیتی می‌یابد که با دیگر خصایص مدیریت، متفاوت است. «علم مدیریت» ناظر به واقعیتی است که در ظرف مشخصی از زمان و مکان تحقق یافته است. تحقق عینی این دانش نمی‌تواند بی‌رابطه با فرهنگ و ویژگی‌های زمانه آن باشد و بار معنایی خاصی را به دوش می‌کشد که از فرهنگ زمانه خود تأثیر پذیرفته است؛ بنابراین، جدا از فهم صحیح آن معنا، نمی‌توان آن را در قالب‌های فرهنگی دیگر مندرج نمود.

برای بررسی انطباق‌پذیری مفاهیم اسلامی بر مفاهیم دانشی مانند مدیریت، باید به پیشینه تاریخی و سیر تکوّن و رشد مفاهیم این دانش توجه داشت.

«مدیریت اسلامی به مجموعه‌ای از قضایا گفته می‌شود که دارای مفاهیم دقیق و مشخص و مرتبط با یکدیگر و برگرفته از منابع اسلامی (در بردارنده قضایای توصیفی، تجویزی / اعتقادی، عبادی و اخلاقی) بوده و ناظر به نحوه اداره افراد و منابع در جامعه و سازمان در جهت رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده است» (گائینی، معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت، ۱۳۹۹، ص. ۳۸).

این تعریف در پی دست یافتن به یک نظام مدیریت اسلامی است که براساس یک نظام معرفتی خاص شکل می‌گیرد.

در این بخش به مفهوم‌شناسی مدیریت و مدیریت اسلامی پرداخته شد، در ادامه به توجیه و تبیین مدیریت اسلامی از نگاه معرفت‌شناسی اعتباری پرداخته می‌شود.

معرفت‌شناسی و ارکان آن

معرفت‌شناسی و نوع ارتباط آن با دیگر ساحت‌ها، مانند هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، در توجیه و تبیین مدیریت اسلامی نقش تاثیرگذاری دارد. به این بیان که برگرفتن

پیش فرض‌های متضاد از ساحت‌های معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، منجر به قبول یا عدم قبول دانشی به نام مدیریت اسلامی می‌شود. برای مثال، اگر نپذیریم که هستی‌ای فراتر از هستی مادی و جسمانی وجود دارد، در پذیرش وحی، به عنوان یکی از منابع معرفتی مدیریت اسلامی خلل ایجاد می‌شود و این امر به انکار مدیریت اسلامی می‌انجامد.

الف) چیستی معرفت: معرفت از مفاهیم تعریف‌ناپذیر است؛ زیرا لازمه هر تعریفی که از آن به عمل آید، معرفت به آن چیزی است که واسطه تعریف معرفت قرار می‌گیرد و بدون شناخت آن واسطه، نمی‌توان از معرفت، تعریفی ارائه نمود و این «دور مصرح» است. یعنی شناخت معرفت، بر شناخت خودش مشروط شده است. بنابراین، تعریف معرفت از جهت مفهومی بدیهی است (جوادی آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸۴، ص. ۸۷).

ب) هستی معرفت: در مورد وجودشناسی معرفت، دیدگاه‌های متفاوتی میان حکمای اسلامی وجود دارد. برخی حکیمان معرفت را حالت و چگونگی‌ای می‌دانند که بر نفس انسان عارض می‌شود. بنابراین، از آن به وجود «صورت» یا وجود «ماهیت» معلوم عارض بر نفس عالم یاد می‌شود (ابن سینا، ۱۴۰۵ قمری، ص. ۲۰۱) (جوادی آملی، معرفت‌شناسی در قرآن، ۱۳۸۴، ص. ۲۳). اما برخی دیگر، معرفت را نه وجود کیفی عارض بر نفس، بلکه نحوی از وجود می‌دانند که با نفس عالم متحد می‌گردد و مرتبه‌ای از وجود مراتب نفس را تشکیل می‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص. ۲۱).

این معرفت در ذات خود نورانی است و باعث ظهور معلوم در صحنه ذهن می‌شود که از آن به «صورت ذهنی» تعبیر می‌کنند که نقش حکایت‌گری از پدیده‌های خارج از ذهن را به عهده دارد. برای مثال، شخص عالم هنگام مواجهه با درختی که در خارج از ذهن او وجود دارد، معرفت به وجود آن درخت را با استفاده از ابزار حسی مانند بینایی یا لامسه به دست می‌آورد. از نگاه ملاصدرا این معرفت، در نفس به صورت وجود عینی ظهور می‌کند و مرتبه‌ای از مراتب آن نفس را شکل می‌دهد. وجود عینی را معلومی همراهی می‌کند که همان صورت ذهنی درخت در صحنه ذهن است. این صورت ذهنی، وجود سایه‌ای آن وجود حقیقی، یعنی علم است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص. ۹۷).

معرفت شناسی فناوری نرم^۱

فناوری از نظر لغوی به معنای کاربرد عملی دانش در زمینه‌ای معین یا توانمندی حاصل از به کارگیری عملی یک دانش می‌باشد (Webster, 2016) و نرم به معنای چیزی است که مطلوب و موافق با احساسات بوده و سهولت، راحتی و سکون را به دنبال دارد، یا چیزی که نیازمند تلاش و کار کمی است (Webster, 2016).

معنای اصطلاحی فناوری نرم عبارت است از: «فناوری ذهنی خلاقیت و نوآوری که در اندیشه انسانی، اعتقادات، احساسات، ارزش‌ها، جهان بینی، رفتارهای فردی و سازمانی و همچنین جامعه انسانی، نهفته است» (Jin Z., ۲۰۱۱, p. ۱۱۴) این فناوری در برابر فناوری سخت^۲ قرار دارد. فناوری سخت به فناوری‌ای اطلاق می‌شود که از علوم طبیعی اخذ شده باشد (Jin z., ۲۰۰۲, p. ۴) و شامل توانایی، مهارت، ابزار و قوانینی است که از سوی بشر برای انجام تغییر به کار برده می‌شود (Maunganidze, ۲۰۲۲, p. ۳۶۸). بنابراین، فناوری نرم شکل دهنده آیین‌نامه‌ها، سازوکارها، ابزارها و رویه‌هایی است که سهمی را در پیشرفت، انطباق، و یا کنترل دنیای عینی و ذهنی ایفا می‌کند (JIN, ۲۰۰۵, p. ۱۱۴).

دنیای فیزیکی که فناوری سخت بدان اختصاص دارد شامل زمینه‌های طبیعی و مصنوعی است و دنیای معنوی که فناوری نرم بدان اختصاص دارد شامل سیستم‌های جهت‌دهی فعالیت‌های درونی و ذهنی و متعاقبا رفتارهای خارجی است. فعالیت‌های درونی و ذهنی شامل دنیای تئوری‌ها (مفاهیم، قالب‌ها و سیستم‌ها) و زمینه‌های روانی (احساسات و عواطف) است و رفتارهای خارجی شامل زمینه‌های رفتار اجتماعی (عملکرد با دیدگاه‌های ارزشی، جهان بینی، اخلاق، روحیات و...) است. فناوری نرم از اندیشه‌های انسانی و به تبع آن از انحرافات انسانی اثر می‌پذیرد و تحت تاثیر ارزش‌ها، روحیات و جهان‌بینی قرار دارد؛ لذا می‌تواند اثر مثبت یا منفی داشته باشد. فناوری نرم مرزهای مبهمی دارد، چرا که به عوامل انسانی مرتبط است؛ مرزبندی بین انواع مختلف فناوری نرم به مراتب دشوارتر از مرزبندی میان انواع فناوری سخت است. اغلب فناوری‌های نرم، نسبت به ساختن کالاها، تناسب بیشتری با ایجاد فرآیندهای غیر مشهود، خدمات، تجربیات، نتایج، سازوکارها و سازمان‌ها دارند. نوآوری در فناوری نرم، بیشتر به صورت تغییر در شیوه زندگی، ارزش‌ها، سطح تقاضا و الگوی تفکر مردم است تا اینکه در قالب رقابت با فناوری‌های دیگر.

ویژگی‌های فناوری نرم باید با شرایط هر منطقه‌ای متناسب باشد چراکه تفاوت در فناوری نرم به تفاوت در فرهنگ‌ها، سطوح اقتصادی، سبک زندگی، عادات و روش‌های فکری ایجاد ارتباطات باز می‌گردد. بر این اساس یک فناوری نرم باید تعدیل شود تا بتواند متناسب با شرایط منطقه‌ای دیگر و به نحو احسن عمل کند.

فناوری نرم رابطه تنگاتنگی با سازمان‌ها دارد و پایه‌ها و محتوای نوآوری در سازمان‌های مربوطه، سیستم‌ها، قوانین و مقررات و سیاست‌ها را شکل می‌دهد. از سوی دیگر ایجاد، توزیع و به‌کارگیری بسیاری از فناوری‌های نرم به وسیله سازمان‌ها، سیستم‌ها، قوانین و مقررات و سیاست‌ها محدود می‌شود (Jin Z., 2011, ص. ۱۱۴). زمینه اجرایی فناوری نرم شامل نظام فرایندهای روان‌شناختی و فعالیت‌های اجتماعی انسان است. در واقع فناوری نرم، تجسم عینی از عملکردهای روانی انسان است؛ عملکردهایی که خود به ادراک، احساس و ارزش‌های انسانی وابسته هستند.

فناوری‌ها به عنوان سیستم اجرایی دانش، از منابع خاص دانشی نشأت می‌گیرند. هر نظریه مدیریتی، نوعی فناوری نرم است که با محیط سازمانی و چالش‌هایی تماس دارد که هنگام تعامل با محیط، فراوری سازمان‌ها قرار می‌گیرند. بنابراین، درک دانش مدیریت به عنوان فناوری نرمی که به دنبال ارتباط با منابع و چالش‌های پیش‌روی در قلب وظایف خاص است، اهمیت دارد. آنچه از دیدگاه‌های مدیریتی به مثابه نوعی فناوری نرم یاد می‌شود در واقع شیوه‌ای از تفکر است که می‌تواند به اقدامات بهبودیافته، راه‌های متفاوت و بهتر برای کارکردن و امثال آن منجر شود. هدف کاربردی در عرصه فناوری نرم، رساندن عملکرد سازمان به سطح اثربخشی است. اگر از آغاز تمایلی به این نبود که سازمان‌ها اثربخش‌تر شوند، پژوهش‌های مدیریتی و فناوری نرم در این عرصه سرشتی کاملاً متفاوت پیدا می‌کردند.

معرفت‌شناسی اعتباریات

اعتبار واژه‌ای عربی است که مصدر باب افتعال از ریشه "عبر" بوده و به معنای توجه نمودن است؛ و لا اعتبار بهذا: لا اعتداد به؛ یعنی اعتباری به این مساله نیست، توجهی بدان نمی‌شود (الطریحی، ۱۴۰۸، ص. ۳۹۴). بعضی از لغویان هم معانی آزمایش کردن، شمردن، حساب کردن و غیره را عنوان کرده‌اند (بستانی، ۱۳۷۶، ص. ۹۲). برخی گفته‌اند اعتبار از عبور و مجاوزت از چیزی به چیزی دیگر اخذ شده است. از این روی

عبرت، عبرت نامیده می‌شود و معبر، معبر نامیده می‌شود چراکه به وسیله آن انتقال صورت می‌گیرد.

در اصطلاح فلاسفه واژه اعتباری به چند معنی استعمال می‌شود (قائمی نیا & امینی، ۱۳۹۳، ص. ۹۵) و در واقع از مشترکات لفظی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۶) و معنای مورد عبارت است از: معنای تصویری یا تصدیقی است که خارج از ظرف عمل (فعالیت خارجی) تحقیقی ندارد (طباطبائی س.، ۱۴۰۰، ص. ۲۳۸) اعتبار یعنی "دادن حد چیزی به چیزی دیگر" (طباطبائی س.، رسائل سبعة، ۱۳۶۲، ص. ۱۲۹). بنابر این، اعتباریات در مقابل ادراکات حقیقی است. ادراکات حقیقی انکشافات و انعکاسات ذهنی از واقع و نفس الامر هستند و اما ادراکات اعتباری فرض‌هایی هستند که ذهن به منظور رفع احتیاجات حیاتی، آنها را ساخته و جنبه فرضی و اعتباری دارند و با واقع سر و کاری ندارند (مطهری، ۱۳۷۱، ص. ۳۷۱).

ادراکات حقیقی را می‌توان در براهین فلسفی یا علمی-طبیعی یا ریاضی جا داد و نتیجه علمی یا فلسفی گرفت ولی در مورد اعتباریات نمی‌توان چنین استفاده‌ای کرد (طباطبائی & مطهری، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۳). ادراکات حقیقی تابع احتیاجات طبیعی موجود زنده و عوامل مخصوص به محیط زندگانی وی نیستند و اما ادراکات اعتباری تابع احتیاجات حیاتی و عوامل مخصوص محیط هستند و با تغییر آنها تغییر می‌کنند (یوسف زاده & دیباجی، ۱۳۹۴، ص. ۱-۲۴). ادراکات اعتباری یک سیر تکاملی را طی می‌کنند و ادراکات اعتباری نسبی و موقت و غیر ضروری هستند و ملاک بازآفرینی در اعتباریات لغویت و عدم لغویت است (طباطبائی س.، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ۱۳۷۱، ص. ۴۳۵) (غروی اصفهانی، ۱۴۱۴ق، ص. ۴۵) (القطفی، ۱۴۱۵، ص. ۴۷).

۱. چگونگی ایجاد اعتباریات و منشأ ادراکات اعتباری

باید اذعان نمود که ممکن است انسان یا هر موجود زنده دیگر به اندازه شعور غریزی خود در اثر احساسات درونی خویش که مولود یک سلسله احتیاجات وجودی او می‌باشد یک رشته ادراکات بسازد که بستگی خاص به احساسات مزبور داشته و به عنوان نتیجه، احتیاجات نامبرده را رفع نماید و با بقاء و زوال و تبدل عوامل احساسی و یا نتایج مطلوب زائل و متبدل شود (طباطبائی س.، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ۱۳۷۱). برای ساختن این معانی، نفس انسانی از استعاره استفاده می‌کند، بدین معنا که بین دو معنا مشابهت می‌بیند، آنگاه به جای تشبیه مشبّه، به مشبّه به، مشبّه را یکی از

افراد مشبّه به فرض می‌کند و حد و حکم او را به آن می‌دهد و مثلاً به جای اینکه بگوید زید در شجاعت همانند شیر است، می‌گوید زید شیر است. در ساختن اعتباریات نیز نفس اینگونه عمل می‌کند و مثلاً اعتبار ملکیت را بر اساس ملکیت حقیقی که انسان نسبت به اعضا و قوای خود احساس می‌کند، شکل می‌دهد.

بازگشت این معنا از اعتباری به استعاره‌ی مفاهیم حقیقی با حد و مرز خاص خودشان، برای انواع فعالیت‌هایی است که در جهت حصول غایات مطلوب زندگانی انجام می‌شوند؛ همانند اعتبار نمودن ریاست برای کسی که رئیس یک قوم است، تا برای آن گروه به منزله سر نسبت به بدن و مدبّر امور و هدایت‌گر اعضاء به اعمال ضروری باشد (همانگونه که سر نسبت به بدن چنین جایگاهی دارد) و همانند اعتبار مالکیت برای شخص X نسبت به اموالی که در اختیار دارد تا برای او اختصاص در تصرف اموالش (به هر گونه که می‌خواهد) وضع شود همانگونه که شان مالک حقیقی در ملک خویش این چنین است، همانند انسان که مالک قوای خویش است و به هرگونه که می‌خواهد آنها را بکار می‌گیرد و نیز همانند اعتبار زوجیت بین زن و مرد، برای آنکه زوجین در همه احوال و شئون شریک باشند همانگونه که شان عدد زوج اینگونه است و به همین ترتیب (طباطبائی س.، ۱۴۰۰، ص. ۱۰۹) (گائینی، معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت، ۱۳۹۹، ص. ۱۸۷). ملاکی برای صدق و کذب واقعی، در اینگونه ادراکات وجود ندارد؛ بلکه ملاک در آنها، لغویت و عدم لغویت است. به تعبیری، این ادراکات اعتباری یک «دروغ» مجازی‌اند برخلاف دروغ واقعی که اثر مفیدی بر آن مترتب نیست؛ اما در صورتی که آثاری بر آن مترتب نگردد، لغو هستند و در این صورت به دروغ واقعی تبدیل می‌گردند^۳. مدیریت نیز یکی از مفاهیم اعتباری است که منشأ آن تأمین برخی نیازهای انسانی است. وجود قریحه استخدام در انسان به منظور تأمین برخی نیازها، سبب می‌شود که به تصرف در منابع طبیعی و انسانی دست یازد. از آنجا که ارضای نیازها تنها از طریق استخدام یک‌سویه محقق نمی‌گردد، لازم می‌شود استخدام به صورت متقابل صورت گیرد؛ مانند نوزادی که پستان مادر را برای رفع گرسنگی به استخدام می‌گیرد و از سوی دیگر مادر، نوزاد را برای خالی کردن شیر از پستان و رفع ناراحتی به استخدام درمی‌آورد. در سطح وسیع‌تر نیز این استخدام طرفینی صورت می‌گیرد. پیدایش این استخدام‌ها باعث پیدا شدن جامعه در سطح کلان یا خرد می‌گردد و از درون این امر اعتباری (جامعه) به منظور تأمین همان نیازهای اولیه،

امور اعتباری دیگر رخ می‌نماید (طباطبائی س.، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ۱۳۷۱، ص. ۴۳۵).

استفاده بهینه از منابع انسانی و طبیعی در جهت تأمین نیازهای اصلی، بدون اعمال نظم و ساماندهی آن منابع، امکان‌پذیر نیست. برای تحقق چنین نیازی، ناچار باید به فعالیت‌هایی دست زد که از آنها مفهوم مدیریت انتزاع می‌شود. این مفهوم منشأ آثار عینی می‌گردد و این آثار در تأمین نیازهای اولیه مؤثر است. برای بازتولید مناسب فعالیت‌ها، لازم است اشکالی از فعالیت‌ها رخ دهد. کیفیت فعالیت‌ها، به مفاهیم اعتباری‌ای وابسته است که تحقق غایات عینی را دنبال می‌کنند. برای مثال، مفهوم اعتباری برنامه‌ریزی، غایتی را برای نظم بخشیدن و سروسامان دادن به منابع انسانی و فیزیکی تعقیب می‌کند که در افعال خاص منعکس می‌شود. مفهوم اعتباری سازمان‌دهی نیز همین‌گونه است.

بنابراین، زنجیره‌ای از مفاهیم اعتباری، که هر کدام آثار عینی خاصی را به دنبال دارند، تشکیل می‌شوند و تا زمانی که این مفاهیم منعکس‌کننده افعال خاصی جهت تأمین نیازهای واقعی هستند، در گردونه تعاملات انسانی به کار گرفته می‌شوند و هنگامی که نتوانند آن نیازها را تأمین کنند، از این گردونه حذف می‌شوند و به جای آنان، مفاهیم اعتباری دیگری وارد گردونه می‌گردند. از آنجا که برخی نیازهای انسانی بعد از شکل‌گیری اجتماع متحول هستند و گستره‌ی آنها دائماً رو به فزونی است، به موازات این فزونی، گستردگی در مفاهیم اعتباری نیز اتفاق می‌افتد و نیازهایی هم که ثابت فرض می‌شوند از اعتباریات ثابتی برخوردارند. راز اینکه بسیاری از مفاهیم اعتباری گذشته، در دوران معاصر پاسخگوی نیازهای انسانی نیست، در تحول همین نیازها است (طباطبائی س.، رسائل سبعة، ۱۳۶۲، ص. ۱۴۵).

۲. شباهت‌های اعتباریات و فناوری‌های نرم

علی‌رغم وجود چهار موجی که در طی دو‌یست سال گذشته در انقلاب فناوری صورت گرفته است، رشد اقتصادی بیشتر متأثر از موج توسعه فناوری نرم بوده است (Jin z.، ۲۰۰۲، ص. ۱۱۴). با توجه به ویژگی‌های مشل‌به فراوانی که میان دو مفهوم ادراکات اعتباری و فناوری نرم وجود دارد می‌توان احکام مربوط به هریک را به دیگری تسری داد. در واقع، تلقی دانش مدیریت به مثابه فناوری نرم، تداعی‌کننده اصطلاح "اعتباری" در ادبیات فلسفه اسلامی است. آنچه این مشابهت و تداعی را ممکن می‌سازد موارد

مشترکی است که در فناوری‌های نرم و اعتباریات وجود دارد. این موارد مشترک را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. مجعولات اعتباری و نیز فناوری نرم هر دو از سنخ مصنوعات و برساخته‌های انسانی‌اند که برای رفع نیازهای اجتماعی انسان هستند، بنابراین نقش کاربردی در هر دو غالب است.

۲. مجعولات اعتباری و فناوری به دلیل ماهیت کاربردی‌شان، با بُعد توانمندی آدمی در اراده و عمل ارتباط نزدیک‌تری دارند. برخلاف علم که با بُعد لندیشه‌ای و نظری انسان سروکار دارد.

۳. معیار برای ارزیابی مجعولات اعتباری و فناوری در کارآمدی آنان در رفع نیازهاست؛ نیازهایی که اساساً برای تأمین آنها این دو مفهوم جعل شده‌اند. این در حالی است که معیار ارزیابی در نظریه‌های علمی میزان انطباق آنان با واقعیت است.

۴. با توجه به بند سوم، ملاک پیشرفت در این دست از مجعولات موفقیت در حل مسائل عملی است؛ یعنی هر چقدر بتوانند در تأمین نیازهایی که برای آنها جعل شده‌اند کارآمدتر باشند؛ موفقیتشان در پیشرفت بیشتر خواهد بود.

۵. اعتباریات و فناوری‌ها به دلیل نقش کاربردی‌شان، به زمینه‌ها و بسترهای کاربرد حساس‌اند به گونه‌ای که نمی‌توان یک امر اعتباری، یا یک فناوری را که در بستر و زمینه خاصی به وجود آمده در بستر و زمینه دیگر (با فرض تفاوت در ویژگی‌های هر دو زمینه) به کار برد.

۶. ارزش‌ها در شکل‌گیری و جهت‌دهی به اعتباریات و فناوری‌های نرم نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این دو به فراخور نیازهای عملی جعل می‌شوند و نیازها زمانی خود را نشان می‌دهند که فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب دیده شود. وضع مطلوب در واقع ناظر به همان اهداف عملی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر ارزش‌ها تعیین شده‌اند. بر همین اساس، ارزش‌ها برای فناوری نرم و اعتباریات نقش تعیین‌کننده دارند. بنابراین، وابستگی بسیاری میان اعتباریات و فناوری با ارزش‌ها وجود دارد و از آنجا که ارزش‌ها عنصر اصلی و ریشه‌ای در فرهنگ هستند اعتباریات و فناوری‌های نرم متأثر از فرهنگ و شرایط محیطی‌اند به طوری که در دو فرهنگ مختلف، برای تأمین یک مقصود، دو گونه‌ی متفاوت از اعتباریات و فناوری نرم جعل می‌شوند. به طور کلی «هر نوع برساخته آدمی که به نیت رفع نیازی ابداع شود، یا

به کار گرفته شود، خواه‌ناخواه حامل ارزش‌هایی است که سازنده و ابداع‌کننده یا بهره‌گیرنده هوشمند با خود به همراه دارد» (پایا، ۱۳۸۶، ص. ۲).

نتیجه‌گیری

انسان و نیازهای حیاتی او نقش مهمی در پیدایش مفاهیم اعتباری دارند؛ از این روی، برای فهم چنین مفاهیمی لازم است تعامل معناداری با انسان‌ها برقرار شود. از آنجا که اهداف انسانی نقش تعیین‌کننده‌ای در پیدایش کیفی و تنوع‌آمیز مفاهیم اعتباری دارند، شناخت آن اهداف شرط مهم برای درک چنین مفاهیمی است و این معرفت تنها از راه تعامل و مفاهمه به دست می‌آید. علل غایی و اهداف انسانی در تولید و پیدایش افعال، نقش مهمی داشته و بار معنایی خاصی را به آن‌ها می‌بخشد. از آنجا که اهداف و اغراض انسانی از حوزه مسائل علمی خارج هستند و بیشتر تحت تأثیر ارزش‌ها و باورهای فرهنگی‌اند، مفاهیم اعتباری که زاینده چنین اهدافی هستند به‌طور مستقیم از ارزش‌ها و باورها رنگ می‌پذیرند و در نتیجه پیامدهای رفتاری چنین مفاهیمی در واقع بازتاب و انعکاسی از فرهنگ حاکم است. علم مدیریت که دربردارنده مجموعه تئوری‌هایی حول برخی مفاهیم اعتباری است، تابع برخی اهداف نهان و آشکاری است که جهت‌دهنده و تعیین‌بخش به آن تئوری‌ها است. بنابراین، علم مدیریت از ارزش‌ها و باورهای فرهنگی حاکم بر خاستگاه این علم، یعنی مغرب‌زمین، تأثیر پذیرفته است. از همین روی، برای فهم چنین دانشی باید از بینش‌ها و باورهایی که به عنوان محفوظات فرهنگی نقش زیربنایی در پیدایش علم مدیریت داشته، اطلاع حاصل نمود و از سوی دیگر، برای تدوین دانشی به نام مدیریت اسلامی باید به جستجو از مؤلفه‌های فرهنگی اسلام پرداخت و براساس آن به مفاهیم اعتباری‌ای دست یافت که اسلام برای تأمین اهداف انسانی وضع نموده است (۹۷۴+۴۴۴). این مفاهیم می‌توانند مدار مطالعاتی مدیریت اسلامی واقع گردند و نیز نقش کلیدی و مهمی را در تئوری‌پردازی‌های مدیریتی ایفا نمایند. اما باید خاطر نشان ساخت که پیامدهای رفتاری چنین مفاهیمی در برخی موارد محدود به شرایط زمانی و مکانی هستند و تعمیم آن به شرایط دیگر، باید با دقت و تأمل جدی صورت پذیرد. چه بسا محدودیت‌های محیطی اجازه بروز فعالیت‌های گسترده‌تری را (که پیامد آن عناوین اعتباری است) نداده؛ برای مثال، مفهوم نظم در جامعه از مفاهیم اعتباری و عقلایی است که جعل آن برای تأمین نیاز حیات جمعی

انسان‌ها از سوی دین مورد تأیید قرار گرفته است، اما پیامدهای رفتاری این مفهوم اعتباری در قالب اشکال حکومتی و مدیریتی متغیر است. در گذشته که روابط انسانی بسیار ساده و سطحی بوده است، اشکال مدیریتی که تعمیم‌بخش مفهوم نظم در سطح جامعه بوده، از سطحی ساده و بسیط برخوردار بود، اما امروزه به دلیل پیچیدگی روابط، برای تحقق مفهوم نظم، به‌ناچار باید اشکال مدیریتی پیچیده و متنوعی را ارائه نمود و تعمیم اشکال گذشته به زمان حاضر جوابگو نیست. بنابراین، نگرش اعتباری به مقوله مدیریت می‌تواند اثرات کاربردی بسیاری را به همراه داشته باشد که ما به دلیل مجال کوتاه، به آنچه بیان شد اکتفا نموده و تحقیق در این زمینه را برای مطالعات بعدی پیشنهاد می‌دهیم.

پی‌نوشت‌ها

1. Soft technology
2. Hard technology

۳. این ویژگی مورد نقد برخی اندیشمندان واقع شده است. ر. ک: لاریجانی، استدلال در اعتباریات، مجله پژوهش‌های فلسفی-کلامی، ش ۲۴، ص ۴-۳۰.

منابع

- Bartol, K. M. (1994). *Management*. New York: McGraw-Hill.
- Griseri, P. (2002). *Management Knowledge: A Critical View*. London: Bloomsbury Publishing.
- Jin, z. (2002). soft technology. *future research quartly*, 50-62.
- JIN, Z. (2005). *Global Technological Change*. Bristol: Bristol.
- Jin, Z. (2011). *Global Technological Change: From Hard Technology to Soft Technology - econd Edition*. United Kingdom: Intellect Ltd.
- Maunganidze, L. (2022). Corporate social investment practices as 'soft technology': A case of selected Botswana firms. *Journal of Cleaner Production*, 368, 132957.
- Webster, M. (2016). *The Merriam-Webster Dictionary New Edition*. New London: Merriam-Webster, Inc.
- ابن سینا (۱۴۰۵). قمری. (شفا). قم: مکتبه ایت الله العظمی مرعشی نجفی.

- الطریحی، ف. (۱۴۰۸). مجمع البحرین، ج ۳. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- القطفی، ا. (۱۴۱۵). الرافد فی علم الاصول محاضرات آیه الله العظمی السید علی الحسینی السیستانی دام ظلّه، الحلقه الاولى. بیروت: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- بستانی، ف. (۱۳۷۶). فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی، ترجمه کامل المنجد الابدی. تهران: اسلامی.
- پایا، ع. (۱۳۸۶). ملاحظاتی نقادانه درباره دو مفهوم علم دینی و علم بومی. نشریه حکمت و فلسفه. ۳(۳)، ۳.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۸۴). معرفت شناسی در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۹۳). ریحی مختوم جلد ۴. قم: اسراء.
- دغیم، س. (م. ۲۰۰۱). (موسوعه مصطلحات الامام فخرالدین الرازی. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- طباطبائی، س. (۱۳۶۲). رسائل سبعة. قم: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
- طباطبائی، س. (۱۳۷۱). اصول فلسفه و روش رئالیسم. تهران: انتشارات صدرا.
- طباطبائی، س. (۱۴۰۰). نهاییه الحکمه تصحیح و تعلیق غلامرضا فیاضی. قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طباطبائی، م.، مطهری، م. &، شریعتی، م. (۱۳۸۷). تحریری بر اصول فلسفه و روش رئالیسم ج ۲. قم: بوستان کتاب.
- غروی اصفهانی، م. (۱۴۱۴). ق. (نهاییه الدراییه فی شرح الکفایه ج ۱. بیروت: انتشارات موسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.
- قائمی نیا، ع. &، امینی، م. (۱۳۹۳). تبیین زیبایی به عنوان مفهوم ثانی فلسفی از دیدگاه علامه طباطبائی. ذهن، شماره ۵۸.
- کونتز، ه.، اودانل، س. &، ویرچ، ه. (۱۳۸۹). اصول مدیریت. تهران: دانشگاه صنعتی شریف، موسسه انتشارات علمی.
- گائینی، ا. (۱۳۹۹). معرفت شناسی تئوری های سازمان و مدیریت. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- محققین، ج. ا. (۱۳۸۵). فصلنامه علوم انسانی - اجتماعی حوزه و دانشگاه ج ۳۳. قم: پژوهشگاه حوزه ودانشگاه.
- مصباح یزدی، م. (۱۳۹۶). آموزش فلسفه ج ۱. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- مطهری، م. (۱۳۹۶). مجموعه آثار استاد شهید مطهری (جلد ۶). تهران: انتشارات صدرا.
- یوسف زاده، ز. &، دیباجی، س. (۱۳۹۴). نسبت نظریه ادراکات اعتباری با معقولات فلسفی. فصلنامه آینه معرفت، پیاپی ۴۳، ۲۴-۱.